

چالش



آیا تاریخ افغانستان تکرار خواهد شد؟

سراب صلح طالبان

می‌گویند طالبان باز هم هوای تشکیل امارات اسلامی در سر دارد. «جوان» با هدف کمک به روشن شدن این بحث‌ها، در بی انعکاس دیدگاه‌های مختلف این حوزه حساس است و از انعکاس نگاه کارشناسان استقبال می‌کند. مقاله حاضر نیز دیدگاه‌های نویسنده بوده و «جوان» موضع تأیید یا رد در مورد آن ندارد.

مذاکرات رسمی بین‌الافغانی در قطر نیز طالبان

افغانستان شعار صلح و آشتی ملی سر می‌داد، حاضر شد قدرت را به صورت مسالمت‌آمیز به دولت‌انتقالی می‌سود، اما برخی رهبران جهادی افغانستان راه جنگ را انتخاب کردند. متأسفانه در ۲۰ سال گذشته نیز نزاع بر سر قدرت در افغانستان ادامه یافته تا آن‌که در مر حله سرنوشته‌ساز و حساس کنونی قرار داریم اما آیا تاریخ در افغانستان بار دیگر در حال تکرار است؟ در حالی که دولت محمد اشرف غنی همانند دکتر نجیب‌الله، آخرین رئیس جمهور حاکمیت کمونیستی در افغانستان داعیه صلح‌خواهی دارد، طالبان همانند مجاهدین آن سال‌ها، به دنبال مذاکره و صلح که به دنبال برپایی جنگ تمام‌عیار در سراسر کشور و پیروزی مطلق نظامی در افغانستان است.

مذاکرات رسمی بین‌الافغانی در قطر نیز طالبان در ضرورت ایجاد یک نظام فراگیر اسلامی در افغانستان می‌زند، در این چنین نظامی، طرح و برنامه بااستراتژی مدونی دارد؟ آنچه‌اعضای هیئت مذاکره‌کننده افغانستان تاکنون از نزدیک شاهد آن بوده‌اند، این است که طالبان حتی تعریفی از

نوع رفتار سیاسی طالبان در دو سال گذشته، به خصوص پس از امضای توافقنامه صلح با امریکا، حاکی از نوعی دوگانگی، عدم آمادگی برای مذاکرات اختلاف‌دیدگاه بین بخش نظامی و سیاسی‌اش است. این نوع رفتار اساساً تمایل نداشتن گروه طالبان را برای دستیابی به یک توافق سیاسی نشان می‌دهد. ابتدای کار، رئیس سیاسی طالبان هم‌زمان با آغاز مذاکرات با امریکا به هیچ صورت حاضر به مذاکره با دولت افغانستان نشد. بعد از شروع

تحولات اخیر، به خصوص سقوط مناطق مختلف به دست طالبان، مجدداًافغانستان را به کانون سیاست خارجی ایران آورده‌است.دیدگاه‌های مختلفی در مورد اهداف حملات اخیر طالبان وجود دارد، در حالی که برخی معتقدند هدف وفتارهای میدانی طالبان اساساً امتیازگیری پای میز مذاکره است، دیگران

سیدعباس حسینی

با تشدید جنگ در افغانستان، هم‌زمان با ادامه خروج نیروهای امریکایی و همچنین پیمان ناتو در این کشور، در حالی که می‌رفت روند صلح در افغانستان شدت گیرد، از میزان جنگ کاسته شود و دو طرف درگیر وارد گفت‌وگوها و مذاکرات اساسی برای رسیدن به توافق نهایی صلح شوند، گروه طالبان با باور به پیروزی در میدان افغانستان از طریق نظامی، جنگ را در سراسر این کشور شدت بخشیده و عملاً به روند مذاکرات بین‌الافغانی و صلح به خصوص نشست سرنوشته‌ساز استانبول پشت کرده است. چرا طالبان برخلاف شعارهایی که قبلاً سر می‌داد که به دلیل اشغال افغانستان به دست امریکا و هم‌پیمانان جهاد کرده، حالا که عملاً این اشغال نفس‌های آخر خود را می‌کشد، بار کشتی را ادامه می‌دهد؟!

آیا تاریخ تکرار خواهد شد؟

حداقل در طول یک قرن گذشته انتقال قدرت در افغانستان نزاع‌برانگیز و خونین بوده است، از کودتای سقیف داوود خان تا کودتای خونین کمونیستی و تجاوز ارتش سرخ شوروی تا پیروزی جهاد مردم افغانستان، ایجاد دولت مجاهدین، جنگ‌های داخلی، شکل‌گیری طالبان و تأسیس نظام جدید سیاسی در این کشور پس از سال ۲۰۰۱. در یک نمونه دکتر نجیب‌الله، آخرین رئیس جمهور حاکمیت کمونیستی که همانند

دورنما

سیدنعمت‌الله عبدالحیدر حیمزاده

باینه اخیر، کیم یو جونگ، خواهر رهبر کره شمالی گویای این نکته اساسی بود که واشنگتن دست‌کم نمی‌تواند امیدوار به‌از سرگیری زودهنگام دیپلماسی با پیونگ یانگ باشد. ری سان گوون، وزیر خارجه کره شمالی نیز با ستایش از اظهارات یو جونگ، بر موضع او مهر تأییدزد و گفت: «ما حتی امکان هر گونه تماس با ایالات متحده را بررسی نمی‌کنیم تا چه رسد به داشتن آن، چراکه ما را به جایی نخواهد رساند و فقط وقت گرانبهای خود را تلف می‌کنیم.» این نحو اظهار نظر قاطع و صریح این دو مقام ارشد کره شمالی بیش از هر چیز به پاسخ‌روشنی به اقدامات دولت بایدن بود که گمان می‌کند قادر به ادامه دادن دیپلماسی دولت قبلی در خصوص کره شمالی است و به همین جهت نیز سونگ کیم نماندند و ویژه خود در امور کره شمالی را به کره جنوبی فرستاد تا مقدمات بازگشت به دیپلماسی را فراهم کند. به این ترتیب، گام نخست واشنگتن برای احیای دیپلماسی در قبال پیونگ یانگ ناکام ماند و اکنون مسئله اساسی اینجاست که این‌به معنای شکست کامل این دیپلماسی است یا اینکه احتمال دیگری نیز هنوز وجود دارد؟

دیپلماسی و بدعهدی امریکا

تنش در روابط امریکا و کره شمالی چیز تازه‌ای نیست. روابط دو کشور از زمان تقسیم شبه جزیره کره در ۱۹۴۵ به دو بخش شمالی و جنوبی و جنگ بعد آن در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ همواره در تنش بوده‌است. امریکاه عنوان متحده‌المری که جنوبی‌از آن زمان تاکنون در بخش جنوبی شبه‌جزیره حضور نظامی دارد و این‌عامل اصلی تداوم تنش بوده است، زیرا حضور نظامی امریکا از نظر کره شمالی چیزی جز تهدید مستقیم واشنگتن نیست. با این حال، روابط بین دو طرف فقط بر مدار تنش نبوده و مقاطعی نیز پیش می‌آمد که گفت‌وگو و دیپلماسی جایز در این روابط پیدا می‌کرد، به خصوص بعد از اینکه کره شمالی برنامه هسته‌ای خود را با ساخت نخستین آکثور هسته‌ای در ۱۹۶۳ آغاز کرد و برنامه تولید تسلیحات هسته‌ای را از دهه ۱۹۸۰

پیرو الممل

سرویس بین‌الملل ۹ آگست ۸۸۹۹۸۴۴

رفتار اجتماعی طالبان

همچنین از سوی دیگر در حوزه اجتماعی، به دنبال تشدید بی سابقه حملات و خشونت‌های طالبان و قربانی شدن صدها غیرنظامی در افغانستان، پشت کردن این گروه به راه‌حل سیاسی و اعمال قوانین سختگیرانه و فعالیت‌های تخریبی در مناطق تحت سلطه خود، تنفر عمومی در بین مردم نسبت به این گروه با گذشت هر روز در حال گسترش است. به همین دلیل مردم افغانستان که یک دوره پنج‌ساله حاکمیت طالبان را در گذشته تجربه کرده‌اند، به هیچ وجه بار دیگر خواهان بازگشت امارات اسلامی طالبان نیستند. این بی‌اعتمادی شدید نسبت به طالبان در نهایت سبب شده که امروز بسیج مردمی افغانستان در حمایت از نیروهای امنیتی این کشور برای ایستادن در برابر این گروه شکل بگیرد.

رفتار ایدئولوژیک طالبان

نشانه‌های زیادی وجود دارد که طالبان هنوز به دنبال احیای مجدد امارات اسلامی خود هستند و آنچه در مدت دو سال گذشته اعلام شد که این گروه دچار تغییر و تحول شده، سرایی بیش نبوده است. طرح مباحثی چون رأی، نظر و تصمیم‌گیری بیرامون مسائل مهم مذاکرات صلح بر اساس فقه حنفی و به حاشیه راندن فقه جعفری و شیعیان افغانستان، تأکید بر مسئله مطابق آنچه «شریعت اسلامی» می‌خوانند، بدون آن که تعریفی از آن ارائه کنند و عدم اشاره طالبان به مؤلفه‌ها و ارزش‌های نظام جمهوری به خصوص انتخابات، از مواردی است که نشان می‌دهد هنوز باورهای اساسی ایدئولوژیک و افراطی طالبان رنگ نابخشودنی و کماکان به‌وقت خود باقی است. آنچه مشخص است، پس از ناکامی گروه داعش با حامیان پیدا و پنهان آن برای برپایی یک نظام خلافت اسلامی و رولابرویی با نظام اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، طالبان به دنبال ایجاد امارات اسلامی شبیه‌ان در افغانستان است؛ طرحی که امریکایی‌ها نیز به آن چراغ سبز نشان داده و در ارائه طرح صلح برای افغانستان، به جوانب مختلف ایجاد چنین نظامی پرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، بار دیگر این سؤال مطرح می‌شود که چرا طالبان در حال دست دادن فرصت کنونی برای صلح در افغانستان است؟ عوامل مختلفی در این زمینه مطرح است که می‌توان به توافقات پنهانی این گروه با امریکا و پاکستان و برنامه آنها برای آینده افغانستان به خصوص تغییر ماهیت بحران در این کشور و همچنین تعامات‌تأشراکت طالبان برای به دست گرفتن قدرت مطلق تأشراکت در قدرت اشاره کرد که مجال بررسی آن وجود ندارد. افغانستان بار دیگر در یک مرحله حساس و سرنوشت‌ساز دیگر برای انتقال قدرت با به تعبیری دیگر، مشارکت در قدرت قرار دارد. در این مرحله حساس، قطعاً مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری گروه طالبان، پایبندی به منافع ملی افغانستان، کاهش خشونت‌ها یا قبولی برقراری آتش‌بس و سراسری در نه‌نهایت، آغاز مذاکرات مطلق صلح از هیئت افغانستان می‌تواند این کشور را از ورود به یک جنگ تمام‌عیار داخلی نجات دهد. در این زمینه، طالبان باید از تاریخ گذشته درس‌های خوبی بیاموزد و صفحه جدیدی را در حیات سیاسی این کشور باز کند. آیدنگ قطعاً در این مورد قضاوت خواهند کرد.

رویگرد

تغییر جهت الکاظمی

به سمت مجموعه امنیتی شامات

احسان شیخون

صبح روز یک‌شنبه ششم تیر ۱۴۰۰ رؤسای جمهور سه کشور عراق، مصر و اردن در بغداد گرد هم آمدند و درمورد مسائل مهم منطقه‌ای رایزنی کردند. الکاظمی، رئیس‌جمهور عراق که برای اولین بار پس از حمله صدام به کویت، میزبان رئیس‌جمهوری مصر عبدالفتاح السیسی بوده، این دیدار را در راستای مدیریت چالش‌های منطقه‌ای توصیف کرد. اما پیامدهای این نشست که محوریت اقتصادی و امنیتی آن بازو بود، برای جمهوری اسلامی ایران چه می‌تواند باشد؟

از دو جهت به موضوع می‌توان نگریست:از یکسو عراق می‌تواند روابط ایران با مصر و اردن و در کل جهان عرب را بیش از پیش نزدیک کند، اما از نسوی دیگر به دنبال کاهش پیوندها از ایران به ویژه در زمینه انرژی (گاز و برق) باشد و درصدد تحدید نفوذ ایران در منطقه بر آید.

در خصوص گسترش روابط ایران با مصر و اردن، عراق می‌تواند همان نقشی را ایفا کند که نسبت به ایران و عربستان چندی پیش انجام داد. روابط سیاسی و اقتصادی ایران و عربستان سعودی و به دنبال آن بحرن بیش از پنج سال به طور کامل قطع است، اما مدتی است که اخبار مذاکرات دو طرف در بغداد شنیده می‌شود. به



نیابند از تلاش الکاظمی برای کاهش پیوندهای اقتصادی با ایران غافل ماند. در بند بیست‌و یکم بیانیه پایانی این نشست آمده‌است: «سران سه کشور بر لزوم تقویت پروژه اتصال خطوط برق و تبادل انرژی برق میان سه کشور و اتصال شبکه انتقال گاز میان عراق و مصر از طریق اردن و فراهم‌سازی گذرگاهی برای صادرات نفت عراق از طریق اردن و مصر از طریق تکمیل خط گاز عربی و ایجاد خط لوله انتقال نفت خام (بصره- عقبه) و همکاری در زمینه‌های مختلف انرژی برق و انرژی‌های تجدیدپذیر و پتروشیمی و تبادل تجربیات و تلاش برای فراهم نمودن بستر سرمایه‌گذاری به منظور حمایت از بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌ها در سه کشور تأکید کردند.» این راه می‌دانیم که عراق از ایران، گاز و برق وارد می‌کند اما نیازمند اخذ معافیت ایران است. ایران از بابت صادرات برق و گاز میان عراق و مصر از طریق اردن و فراهم‌سازی گذرگاهی برای صادرات نفت عراق از طریق اردن و مصر از طریق تکمیل خط گاز عربی و ایجاد خط لوله انتقال نفت خام (بصره- عقبه) و همکاری در زمینه‌های مختلف انرژی برق و انرژی‌های تجدیدپذیر و پتروشیمی و تبادل تجربیات و تلاش برای فراهم نمودن بستر سرمایه‌گذاری به منظور حمایت از بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌ها در سه کشور تأکید کردند.»

این راه می‌دانیم که عراق از ایران، گاز و برق وارد می‌کند اما نیازمند اخذ معافیت ایران است. ایران از بابت صادرات برق و گاز میان عراق و مصر از طریق اردن و فراهم‌سازی گذرگاهی برای صادرات نفت عراق از طریق اردن و مصر از طریق تکمیل خط گاز عربی و ایجاد خط لوله انتقال نفت خام (بصره- عقبه) و همکاری در زمینه‌های مختلف انرژی برق و انرژی‌های تجدیدپذیر و پتروشیمی و تبادل تجربیات و تلاش برای فراهم نمودن بستر سرمایه‌گذاری به منظور حمایت از بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌ها در سه کشور تأکید کردند.»

این راه می‌دانیم که عراق از ایران، گاز و برق وارد می‌کند اما نیازمند اخذ معافیت ایران است. ایران از بابت صادرات برق و گاز میان عراق و مصر از طریق اردن و فراهم‌سازی گذرگاهی برای صادرات نفت عراق از طریق اردن و مصر از طریق تکمیل خط گاز عربی و ایجاد خط لوله انتقال نفت خام (بصره- عقبه) و همکاری در زمینه‌های مختلف انرژی برق و انرژی‌های تجدیدپذیر و پتروشیمی و تبادل تجربیات و تلاش برای فراهم نمودن بستر سرمایه‌گذاری به منظور حمایت از بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌ها در سه کشور تأکید کردند.»

این راه می‌دانیم که عراق از ایران، گاز و برق وارد می‌کند اما نیازمند اخذ معافیت ایران است. ایران از بابت صادرات برق و گاز میان عراق و مصر از طریق اردن و فراهم‌سازی گذرگاهی برای صادرات نفت عراق از طریق اردن و مصر از طریق تکمیل خط گاز عربی و ایجاد خط لوله انتقال نفت خام (بصره- عقبه) و همکاری در زمینه‌های مختلف انرژی برق و انرژی‌های تجدیدپذیر و پتروشیمی و تبادل تجربیات و تلاش برای فراهم نمودن بستر سرمایه‌گذاری به منظور حمایت از بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌ها در سه کشور تأکید کردند.»

این راه می‌دانیم که عراق از ایران، گاز و برق وارد می‌کند اما نیازمند اخذ معافیت ایران است. ایران از بابت صادرات برق و گاز میان عراق و مصر از طریق اردن و فراهم‌سازی گذرگاهی برای صادرات نفت عراق از طریق اردن و مصر از طریق تکمیل خط گاز عربی و ایجاد خط لوله انتقال نفت خام (بصره- عقبه) و همکاری در زمینه‌های مختلف انرژی برق و انرژی‌های تجدیدپذیر و پتروشیمی و تبادل تجربیات و تلاش برای فراهم نمودن بستر سرمایه‌گذاری به منظور حمایت از بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌ها در سه کشور تأکید کردند.»

پیونگ یانگ امیدی به دیپلماسی امریکا ندارد



ترامپ تنها یک برنامه تبلیغاتی بی‌نتیجه توسط او بود. در واقع، ترامپ آن سند را بدون هیچ برنامه و استراتژی مشخصی امضا کرده بود و دستیارانش هر کدام برداشت متفاوتی از آن دارند به خصوص جان بولتون که خیلی زود نیت واقعی واشنگتن را آشکار کرد. بولتون در می ۲۰۱۸ گفت لیبی الگوی مورد نظر برای خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی است و پیونگ یانگ با این حرف متوجه شد که امریکا با این الگو قصد دارد کره شمالی را دچار سرنوشتی کند که لیبی گرفتار آن شد. هر چند ترامپ سعی کرد به نحوی از رهبری کره شمالی و به خصوص شخص یونگ اون رفغ نگرانی کند و با نامه‌نگاری شخصی، روند دیپلماسی را حفظ کند اما سخنان بولتون تأثیر خود را گذاشته بود و تلاش شخصی ترامپ تا پایان دولتش بی‌نتیجه ماند.

اسر در گمی بایدن

جو بایدن کار خود را با لفاظی‌ها تند و آتشین علیه کره شمالی نشان داد دولت بایدن سه هیچ وجه دغدغه‌های امنیتی کره شمالی را مد نظر ندارد. بنابراین ترامپ که امریکا مسیر فعلی تنش و فشار سازمان ملل، کره شمالی باید تسلیحات هسته‌ای خود را برچیند. بایدن با این لفاظی‌ها نشان داد که شبه‌جزیره کره است اما خیلی زود معلوم شد این تصور هیچ پایه و اساسی ندارد و امضای سند از سوی

^[1] پیونگ یانگ امیدی به دیپلماسی امریکا ندارد

^[2] پیونگ یانگ امیدی به دیپلماسی امریکا ندارد